کنفرانس زوم:

راه حل معقول بحران کشور:

غیرمتمرکزسازی، فدرال‌سازی و یا تجزیه؟



پروفیسور دکتور لعل زاد

لندن، ۲۰ جنوری ۲۰۲۲

میزبان: کانون مطالعات راهبردی افغانستان
به اشتراک: دکتور اکبر همت و حامد علمی

فهرست عناوین

پیشینه تاریخی – جغرافیایی سرزمین‌های ما

- **امپراتوری‌ها و شاهنشاهی‌های سرزمین‌های ما (ایران/خراسان):**

مادها، هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان، ساسانیان، کوشانیان، هفتالیان، عربان، طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، غوریان، مغولان، تیموریان، صفویان، غلجیان، ابدالیان؛

- **حکومت‌های «قوی مرکزی»، اما بدون «ساختار متمرکز»:**

هر ایالت/منطقه از «استقلال داخلی» سنتی برخوردار بود و هویت، زبان، فرهنگ و دین قوم/قبیله حاکم (به استثنای دوره سلطه اعراب) بالای دیگران «تحمیل» نمی شد!

تا زمان عبدالرحمن مناطق بدخشان، بلخ، فاریاب، هزارستان، کافرستان وغیره قسما به گونه مستقل و نیمه مستقل زندگی داشتند [یا در نهایت به حاکمیت‌های قوی‌تر از خود «جزیه» می دادند (خطبه، جزیه و سکه)]!

چگونگی ایجاد کشوری به نام افغانستان (دولت حایل)

* «**مرز ها**»ی آن عمدتا در زمان امیر عبدالرحمن خان (۱۸۸۰ - ۱۹۰۱) تعیین شده است؛

* این مرز ها توسط «برتانیه و روسیه» ایجاد شده و مردم ما در آن نقشی نداشتند (**کشور مصنوعی/تحمیلی**)؛

* «**استقلال**» آن در زمان امیر امان الله خان (۱۹۱۹ - ۱۹۲۹) اعلان شده است؛

* پیش از عبدالرحمن، کشوری به این نام در تاریخ و به این شکل در جغرافیای جهان وجود ندارد؛

* تمام حاکمان تا ایجاد کشور افغانستان (عبدالرحمن/امان الله) بنام **خانواده/قبیله** (صفاری، سامانی)، **محل/منطقه** (غزنویان، غوریان) و یا **خراسان/ایران** نامیده شده اند (تاریخ منطقه: طوایف مستقل یا امپراتوری/شاهنشاهی ها)**!**



1815



1828



1855



1898

ظهور مرض (آغاز بحران: ساختار متمرکز و برتری‌خواهی قومی/زبانی)

* تا زمان **امیرعبدالرحمن** (۱۸۸۰-۱۹۰۱) چیزی بنام ادارات دولتی، تقسیمات ملکی و یا معارف و مطبوعات وجود ندارد؛ اما او به کمک پول/تسلیحات انگلیس و با زور شمشیر حکومت نموده و یک «**دولت متمرکز**» ایجاد می کند (پیش از آن ساختارها «**فدرال/غیرمتمرکز**» و یا «**ملوک الطوایفی**» بود)!

نخستین ساختار متمرکز

* در زمان **امیرحبیب الله** (۱۹۰۱-۱۹۱۹)، معارف (حبیبیه) و مطبوعات (سراج الاخبار) ایجاد می شود.
محمود طرزی نقش اساسی در روشنگری و ایجاد مفاهیم دولت/ملت «افغانی» داشته و اندیشه های «**زبان افغانی اجداد زبانهاست**» و «**قوم افغان اجداد اقوام آریایی است**» را مطرح می کند!

نخستین علایم مرض برتری خواهی قومی – زبانی

مقالهٔ مخصوصه

{ مبحث زبان }

زبان افغانی اجداد زبانهاست

این بیانات مارا بعضی برتعصب ملتی ما حمل کرده خواهند گفت که « آقای اخبار والای افغانی ، این چنین زبان غلیظ و ثقیل کلفت را که کیفیت مکالمهٔ آن عادتا بصوت سنگهای میان دبه مشابهت میرساند میخواهد که اجداد زبان‌ها ؛ و افغانهای به این گمنامی و کم عددی ، وساده گی ، و کوهستانی و وحشی را میخواهد اجدادیک کتلهٔ عظیمهٔ بشریه برقم بدهد »

سراج الاخبار افغانیه، شماره، ۹، ۳ دلو ۱۲۹۱ ش (۱۹۱۳)

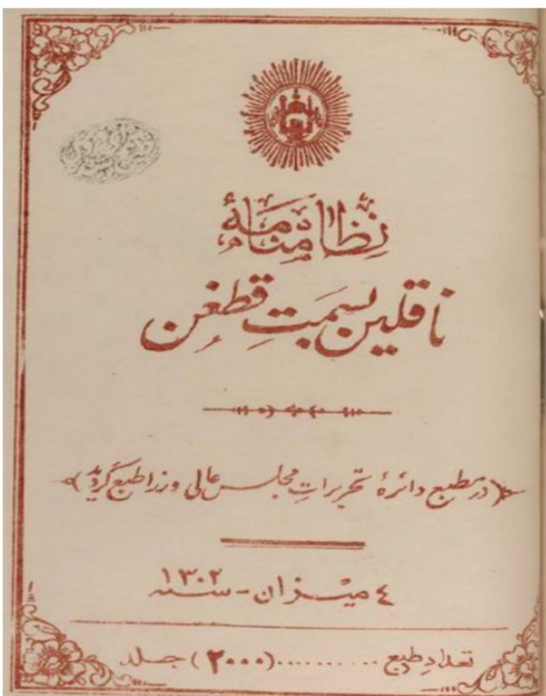
سراج الاخبار افغانیه

محمود طرزی

۱۳۲۹

تاریخ شمسی ۱۶ میزان ۱۲۹۰

تاریخ عربی ۱۵ شوال ۱۳۲۹



* در زمان **امیرامان الله** (۱۹۱۹-۱۹۲۹) ادارات دولتی، تقسیمات ملکی، مطبوعات، معارف، قانون اساسی، محو بردگی و آزادی زنان بوجود آمده و نخستین گام های عملی در جهت اسکان «**ناقلین بسمت قطغن**» و نوشتن «**تاریخ افغانستان**» برداشته می شود؛

* در زمان **نادرشاه** (۱۹۲۹-۱۹۳۳) پروسه «**افغان سازی تاریخ گذشته**» در مقالات «**افغانستان و نگاهی بتاریخ آن**» و «**تاریخچه مختصر افغانستان**» توسط **میرغلام محمد غبار** آغاز می گردد (غزنویان، غوریان و... همه افغان نامیده می شوند)؛

* با رویکار آمدن **ظاهرشاه** (۱۹۳۳-۱۹۷۳) پروسه **تاریخ سازی**، **اسطوره سازی**، **افغان/پشتون/پشتو سازی** (توسط غبار، کهزاد، حبیبی و...) و محو آثار و نماد های سایر اقوام از طریق ادارات دولتی گسترش می یابد! در راس آنها هاشم خان، نعیم خان و محمد گل مهمند قرار دارند...

تا زمان «امان الله» هیچ کتابی بنام «تاریخ افغانستان» وجود ندارد...

نخستین آثار بنام «تاریخ/تاریخچه افغانستان» در زمان امان الله نوشته شده است...



تمام «تاریخ» های بعدی به دستور دربار/دولت و در محور «قوم افغان» نوشته شده است!

تشدید مرض و ادامه آن تا امروز

صفحهٔ (۳۹) سال اول ـ مجلهٔ کابل شمارهٔ (۲)

بقلم میرغلام محمد (افغانستان ونگاهی بتاریخ آن)

۱۵ سرطان ۱۳۱۰

تاریخچهٔ مختصر افغانستان

نگارش جناب میرغلام محمد خان غبار

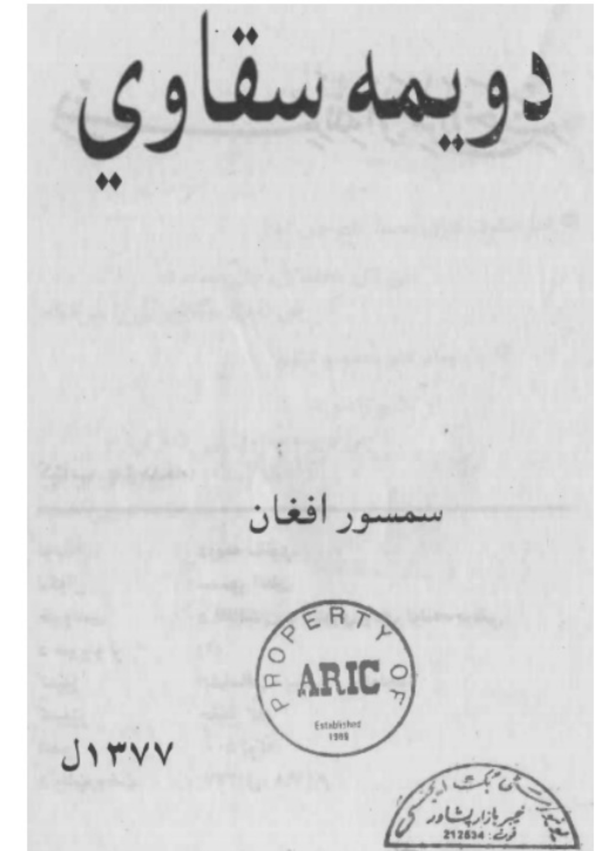
عضو انجمن ادبی کابل

سالنامه کابل ۱۳۱۱

برنامه «دولت/ملت سازی» حاکمان و نخبگان افغان در ۱۰۰ سال گذشته

قوم من ! ای توده والا نژاد — وی نیاکان غیورت مردو راد
باتو دارم گفتگوی محرمی — تا ز اسرار حیات اگاه شوی
بشنوای پشتون باصدق وصفا — حافظ کهسار و قلب اسیا
گربزرگی خواهی و ازادگی — یا چو اسلاف غیورت زندگی
اولا پشتو لسانت زنده ساز — هم بر این شالوده کاخت برفراز
تاتوانی تکیه بر شمشیر کن — قصر ملت را بر ان تعمیرکن

(عبدالحی حبیبی مدیر طلوع افغان ، میزان سال ۱۳۱۷ ش)



ایجاد یک **«دولت قوی مرکزی»** با **«ساختار متمرکز»** («سلب اختیارات داخلی ایالات مربوط») فرق دارد!

این پروسه با ایجاد طالبان و روی کار آمدن کرزی – احمدزی به اوج خود می رسد!

پیشینه/تاریخچه مرض: حاکمیت و نظام(دولت-ملت)سازی

- ایجاد نخستین «ساختار متمرکز» توسط عبدالرحمن (تمرکز قدرت) و سلب آزادی‌های سنتی مردمان/حاکمان محلی دارای استقلال داخلی (ملوک‌الطوایفی یا فدرال‌گونه)؛
- ایجاد «اندیشه برتری»طلبی یا فاشیزم قومی/زبانی (توسط محمود طرزی) در زمان حبیب الله (ظهور اندیشه های پان‌ترکیزم، پان‌ایرانیزم و پان‌افغانیزم در منطقه)؛
- آغاز «پروسه قوم‌گرایی» با صدور «نظامنامه ناقلین به سمت قطغن» و اشغال سرزمین های تاجیک و اوزبیک در زمان امان الله (دولت-ملت‌سازی تکقومی در جامعه چندقومی)؛
- آغاز پروسه «تاریخ‌سازی» برای افغانستان، قوم‌سازی یا افغان‌سازی سایر اقوام («هر کی از افغانستان است، افغان است»: حذف سایر اقوام)، پشتون‌سازی پشتوزبانان و پشتوسازی زبان کشور (حذف زبان پارسی) از زمان نادرشاه و تشدید آن از زمان ظاهرشاه تا امروز؛
- آغاز پروسه عدم شناخت مرز دیورند و ادعای ارضی بر نیم خاک پاکستان بر بنیاد اندیشه ایجاد «لوی اوغانستان» از ۱۹۴۹ به این سو (که دلیل اصلی «مداخلات پاکستان» است)!

تشخیص (علایم) مرض: حاکمیت و نظام(دولت-ملت)سازی

- مشکلات داخلی [حاکمان ... دستگاه قدرت (ساختار/قانون) ... شهروندان]:
  - ساختار متمرکز (تمرکز قدرت، نهادهای غیرمستقل/غیرمتوازن)؛
  - حاکمان واجب الاحترام و غیرمسئول، قومگرا (غیرانتخابی/غیرپاسخگو)؛
  - قوانین غیرعادلانه [رعیت‌محور: تبعیض/امتیاز (دولت-ملت‌سازی قومی)]؛
  - حاکمیت فردی/قومی (به جای حاکمیت قانون).
- مداخلات خارجی:
  - ادعای ارضی بر نیم خاک پاکستان (ایجاد لوی افغانستان: دو فروپاشی نظام).

با آنکه در ۱۰۰ سال گذشته، «نام نظام‌ها» تغییر کرده است (شاهی، جمهوری، جمهوری دموکراتیک، دولت اسلامی، امارت اسلامی و جمهوری اسلامی)، اما «ماهیت» تمام آنها یکسان (سیاه) بوده است!

علاج/تداوی مرض (راه حل ها)

- تسلیم (پذیرش حاکمیت طالبان):

پذیرش حاکمیت قرون وسطایی، تک‌قومی، تک‌حزبی، تک‌زبانی، تک‌هویتی و همکاری با آن‌ها زیر نام حکومت «همه‌شمول»، «فراگیر» یا «مشارکتی» (که در این عصر و زمان و در درازمدت، جز برای افراد معامله‌گر/مزدور، برای دیگران غیرقابل پذیرش است)؛

- مبارزه/مقاومت (برای تجزیه/تقسیم خانه خود و یا برای آزادی/حاکمیت آن):

سرنگونی حاکمیت طالبان و ایجاد یک «نظام عادلانه» (مردم‌سالار/دموکراتیک) بر بنیاد «قوانین عادلانه» (ساختار دستگاه قدرت، صلاحیت حاکمان و حقوق شهروندان) و «حاکمیت قانون» (زیرا عدالت از نگاه حقوقی به معنای تطبیق قانون است)!

چرا به جای شعار «تجزیه/تقسیم» خانه خود، شعار «آزادی/حاکمیت» آن را بلند نه کنیم؟

مبارزه/مقاومت برای تجزیه/تقسیم (خانه خود)؟

🔴 تجزیه یک حرف نو، بدون پیشینه و بدون دلایل عملی/تاریخی است که از عقده های ضد فاشیستی و حاکمیت قومی افغان/پشتون‌ها و «نفرت/بی‌اعتمادی» از آن‌ها ناشی شده است:

🔷 ضرب المثل انگلیسی: «افغان را می‌توان کرایه کرد، اما نمی‌توان خرید»!

🔷 بدخشی: «بی پشتون نمی شود، اما رفتن با پشتون دشوار است»!

🔴 اما معلوم نیست: تجزیه بر چه مبنایی (قوم، زبان، مذهب) صورت گیرد، کی تجزیه کند، چند پارچه شود، مرزها چگونه تعیین شود (پارچه‌ها هم به «نظام سازی» نیاز دارند)؟ آیا مردم ما، کشورهای همسایه و به ویژه ابرقدرت‌ها موافق اند (تجزیه درونی یا پیوستن به همسایه ها)؟

+ + +

🔴 پاکستان هرگز ایجاد یک دولت افغانی مستقل/قوی در شمال‌غرب خود را تحمل نمی‌کند!

کسانی که دانش/تجربه و غیرت/شهامت دارند، خانه خود را با «اشغال‌گران» تقسیم نمی‌کنند، بلکه برای «آزادی/حاکمیت» آن تا پای جان می جنگند (زیرا حق داده نه می‌شود، گرفته می‌شود)!

مبارزه/مقاومت برای حاکمیت و نظام(دولت-ملت)سازی: عادلانه

قوانین عادلانه و حاکمیت قانون

- **ساختار دستگاه قدرت (غیرمتمرکز: نهادهای دولتی/غیردولتی بر بنیاد تجارب جهانی ۲۰۰ کشور):**
  توزیع افقی/عمودی قدرت («استقلال/توازن قوای سه گانه» در مرکز و «اصل خودگردانی» در ولایات و محلات موجود)؛

- **صلاحیت/اختیارات حاکمان (رانندگان):**
  محدودسازی صلاحیت حاکمان، انتخابی‌بودن رهبران (دولت: اجراییه، مقننه و قضاییه) و استخدامی بودن کارمندان (بر بنیاد شایستگی و لغو تعیین/تقرر)، «اصل پاسخگویی»؛

- **حقوق شهروندان (سرنشینان: ارزش‌های انسانی ۸ بلیون/جهان و ۳۰ ملیون/کشور):**
  حقوق بشر/زنان، کثرتگرایی (دولت سایه: احزاب سیاسی، جوامع مدنی و رسانه‌ها) به شمول آزادی بیان، ادیان و نبود تبعیض/امتیاز (دولت-ملت‌سازی شهروندی)، «اصل شهروندی»؛

+ + +

- **شناسایی مرزهای بین‌المللی:** ایجاد روابط دوستانه با همسایه‌ها (به ویژه پاکستان)!

گویند: ما سیب می‌خواهیم، خدا کند از درخت بید باشد (ما نظام عادلانه می‌خواهیم، مهم نیست نام آن شاهی، جمهوری یا اسلامی باشد)!

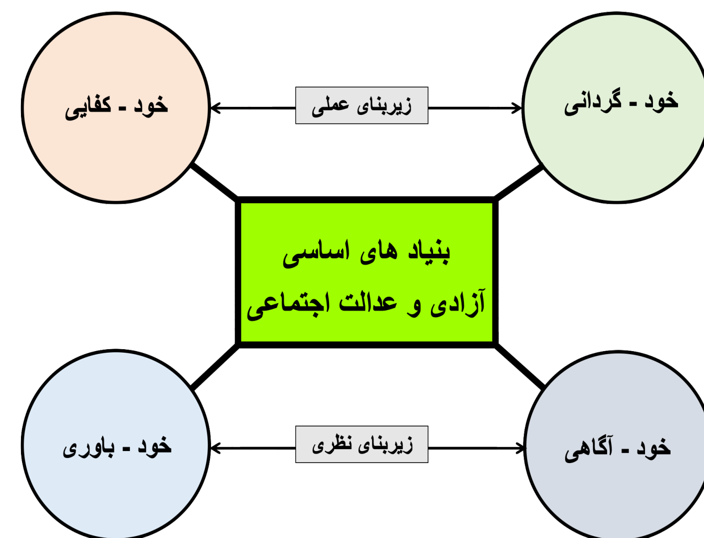
معیارهای ارزیابی/مقایسه نظام‌های سیاسی

(شاخص‌ها)

غیرمتمرکزسازی یا فدرالیزم؟

جنگ بر سر نام/شکل یا ماهیت/محتوا

(انگور، عنب و اوزوم یا 6 و 9)



توزیع قدرت (امپراتوری/شاهنشاهی‌ها) یا دموکراتیزه سازی (عدالت اجتماعی)؟

«ساختار دولت» و «نوع حکومت»
(جنگ بر سر نام ها یا واژه ها)

- واژه های «**فدرال**»، «**غیرمتمرکز**» و «**توزیع قدرت**» مترادف بوده؛ در مقابل واژه های «**ریاستی**»، «**متمرکز**» و «**تمرکز قدرت**» مطرح شده و نشان دهنده «**ساختار دولت**» اند؛ اما ساختارهای «**ترکیبی** و **مخلوط**» اکثرا گمراه کننده بوده و ارزیابی «**عادلانه/دموکراتیک**» بودن آنها را مشکل می سازد:

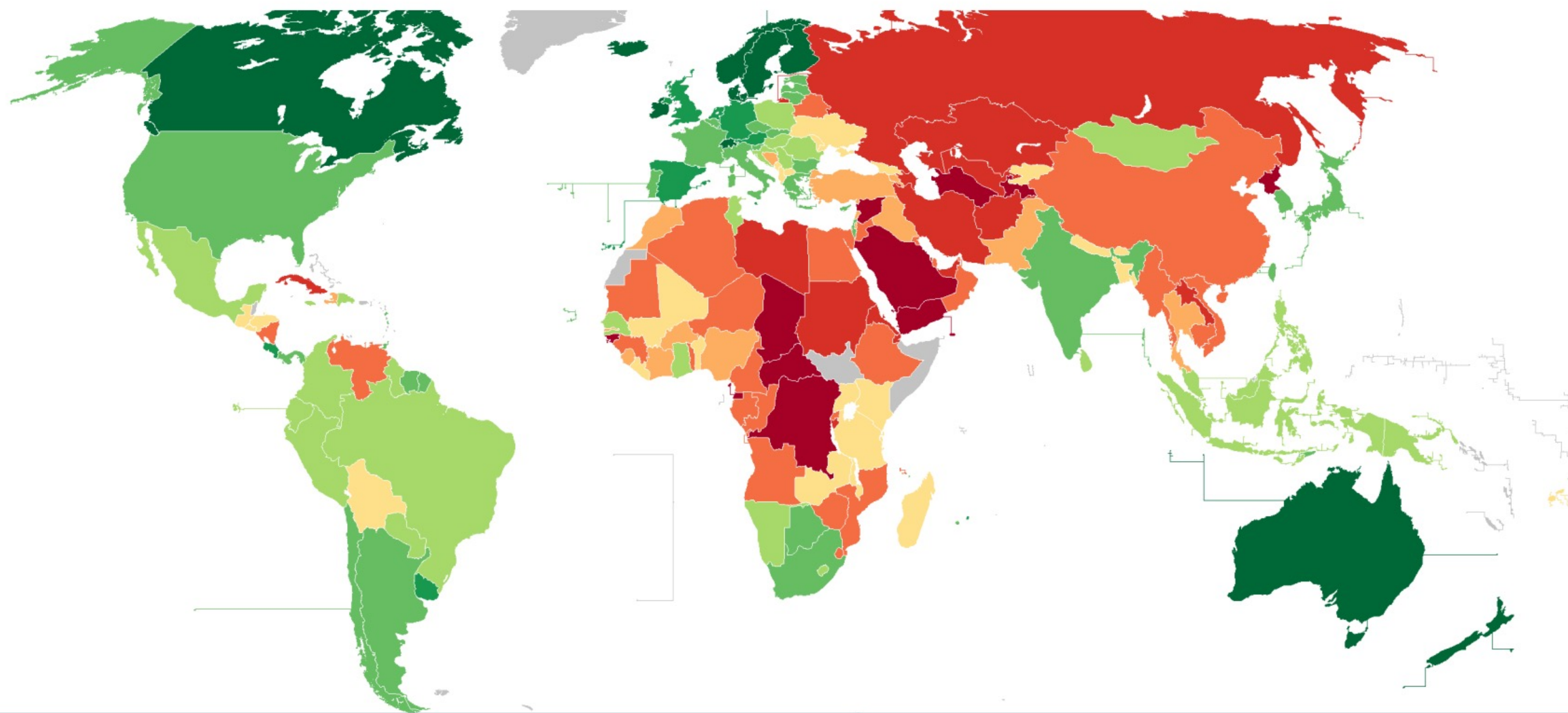
- **فرانسه:** ریاستی - پارلمانی؛
- **امریکا:** ریاستی - فدرالی؛
- **بلجیم:** شاهی - فدرالی؛
- **برتانیه:** شاهی متحده؛
- **روسیه:** جمهوری فدرالی؛

- کدام نظام بهتر است؟
- آیا بهترین نظام وجود دارد؟
- معیار ارزیابی چیست (نام/ماهیت)؟

- واژه های «**صدارتی**» و «**پارلمانی**» نشان دهنده «**نوع حکومت**» اند؛

آنچه در ارزیابی نظام ها اهمیت دارد، «ماهیت» آنهاست، نه «نام یا ساختار ظاهری/رسمی» آنها!

معیار ارزیابی: طرح اکونومیست (دموکراسی کامل، دموکراسی ناقص، رژیم دوگانه، رژیم اقتدارگرا)



The Economist | Intelligence Unit

معیارهای ارزیابی

* انتخابات/کثرتگرایی
* کارکرد حکومت
* مشارکت سیاسی
* فرهنگ سیاسی
* آزادی های مدنی

The Economist Intelligence Unit Democracy Index map for 2018

Full democracies	Flawed democracies	Hybrid regimes	Authoritarian regimes
9.01–10	7.01–8	5.01–6	3.01–4
8.01–9	6.01–7	4.01–5	2.01–3
			0–2

Type of regime	Score (*s*)	Number of countries	Percentage of countries	Percentage of world population
Full democracies	8 < *s*	20	12.0	4.5
Flawed democracies	6 < *s* ≤ 8	55	32.9	43.2
Hybrid regimes	4 < *s* ≤ 6	39	23.4	16.7
Authoritarian regimes	*s* ≤ 4	53	31.7	35.6

پیشنهاد من: معیارهای اساسی برای ارزیابی نظام ها

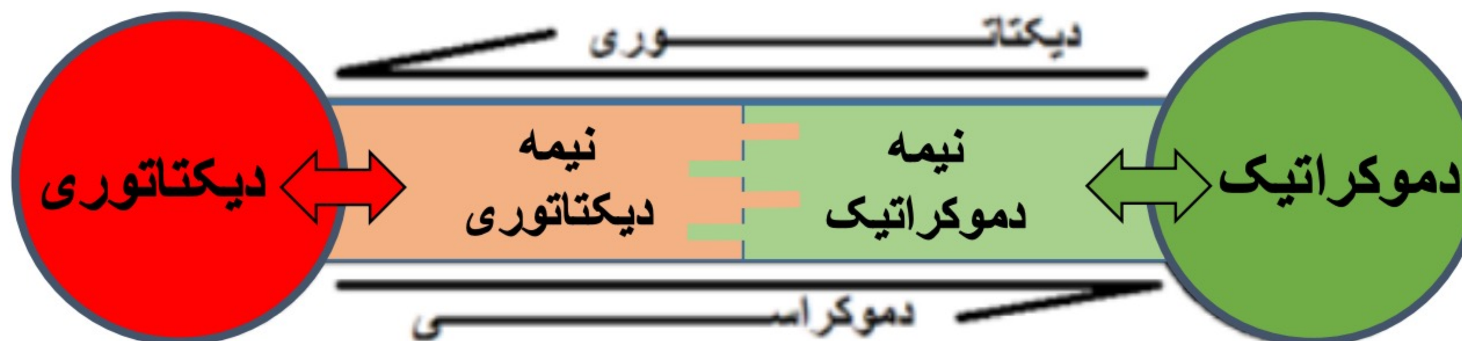
طرح اکونومیست

The Economist Intelligence Unit

معیارهای ارزیابی

* انتخابات/کثرتگرایی
* کارکرد حکومت
* مشارکت سیاسی
* فرهنگ سیاسی
* آزادی های مدنی

تقسیم نظام ها (بر بنیاد ماهیت یا ارزش آنها)	
دموکراتیک (تفاهم/توافق)	دیکتاتوری (زور/تحمیل)
ساختار غیرمتمرکز (توزیع قدرت)	ساختار متمرکز (تمرکز قدرت)
قوانین عادلانه (لغو تبعیض/امتیاز)	قوانین غیرعادلانه (تبعیض/امتیاز)
رهبران انتخابی و پاسخگو	رهبران غصبی/نصبی/ارثی
حاکمیت قوانین عادلانه	 حاکمیت رهبران (قوانین غیرعادلانه)



تخمین کشور ها در ۲۰۱۸	(۲۰)	(۵۵)	(۳۹)	(۵۳)	ارزیابی اکونومیست

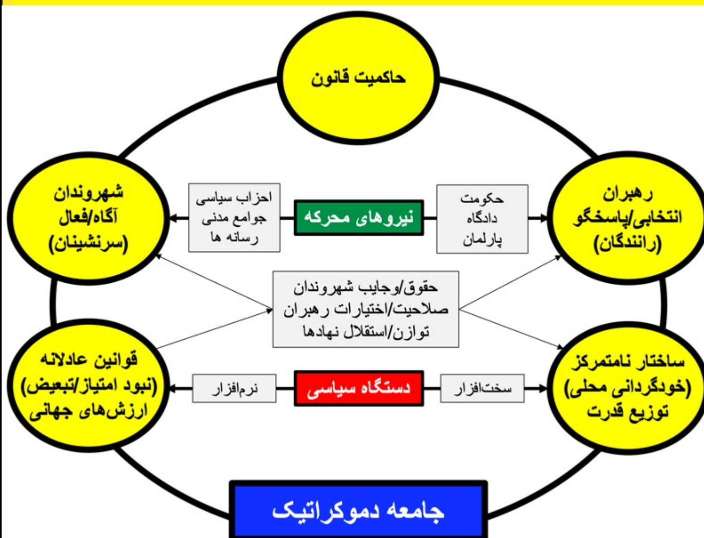
عادلانه (شهروندان) ← مبارزه بی پایان → (زورمندان) استبداد

ویژگی‌های نظام‌های دموکراتیک!

==================================

- یک نظام «دموکراتیک» («عادلانه» یا «مردم‌سالار») نه بر اساس «توزیع مساویانه قدرت و ثروت» در بین افراد، اقوام و مذاهب؛ بلکه بر بنیاد فراهم آوری «شرایط، امکانات و فرصت‌های مساوی و مناسب» برای همه «شهروندان» آن کشور ایجاد می‌شود (واحد اساسی در یک جامعه/نظام دموکراتیک «شهروند» است؛ نه «قوم»، «زبان»، «مذهب»، «منطقه» وغیره)!

- شاخص‌های بنیادی در یک «نظام/جامعه دموکراتیک»:
  - ساختار نامتمرکز (توزیع قدرت یا خودگردانی محلی)،
  - قوانین عادلانه (تجارب/ارزش‌های جهانی)،
  - رهبران انتخابی/پاسخگو،
  - شهروندان آگاه/فعال،
  - حاکمیت قانون!



شهروند: افراد مساوی الحقوق در یک جامعه دموکراتیک (صرفنظر از وابستگی‌های قومی، زبانی و مذهبی آن‌ها) است!

رانندگان ... دستگاه قدرت (ساختار/قوانین) ... سرنشینان

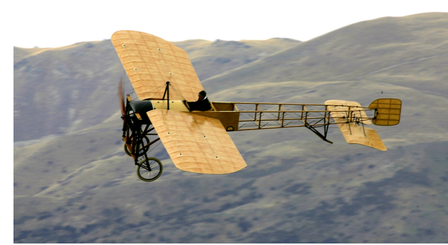












حاکمیت «قانون»

رهبران
«انتخابی/پاسخگو»
(رانندگان)

شهروندان
«آگاه/فعال»
(سرنشینان)

نظارت

شفافیت

احزاب سیاسی
جوامع مدنی
رسانه ها

نیروهای محرکه

حکومت
دادگاه
پارلمان

حقوق/وجایب شهروندان
صلاحیت/مسئولیت رهبران
وظایف/اختیارات نهادها

قوانین «عادلانه»
(نبود امتیاز/تبعیض)
ارزش‌های انسانی

نرم‌افزار

دستگاه قدرت

سخت‌افزار

ساختار «نامتمرکز»
(خودگردانی محلی)
تجارب جهانی

آشوب قدرت
(انارشی)

توزیع قدرت
(دموکراسی)

تمرکز قدرت
(دیکتاتوری)

جامعه دموکراتیک





فدرالیزم (کنفدرالیزم)

- **پیونددهنده (متمرکزسازی): «اتحاد داوطلبانه» چند منطقه/ایالت/کشور دارای استقلال/حاکمیت برای ایجاد یک دولت قوی مرکزی (مانند امریکا، سویس، آلمان و...)(دموکراسی/عدالت اصلا مطرح نبود)!**

کلاسیک

- **چنانچه فدرالیزم امریکا که حدود ۲۵۰ سال و سویس حدود ۱۷۰ سال سابقه دارد، تا ۶۰ سال پیش، حقوق سگ - سیاه در امریکا یکسان بود و تا ۵۰ سال پیش، زنان سویس حق اشتراک در انتخابات را نداشتند (حدود ۵۰ – ۶۰ سال پیش دموکراتیک شدند)!**

- **جداکننده (غیرمتمرکزسازی): «تقسیم اداری» یک کشور بر بنیادهای قومی/زبانی/مذهبی و دادن برخی اختیارات (در قانون اساسی) برای جلوگیری از گرایش‌های آزادی/تجزیه طلبانه آن «ایالات» (مانند روسیه، پاکستان، سودان، عراق و... که مانع تجزیه/تنش/تضادها نشده است) (دموکراتیک نیستند)!**

نوین

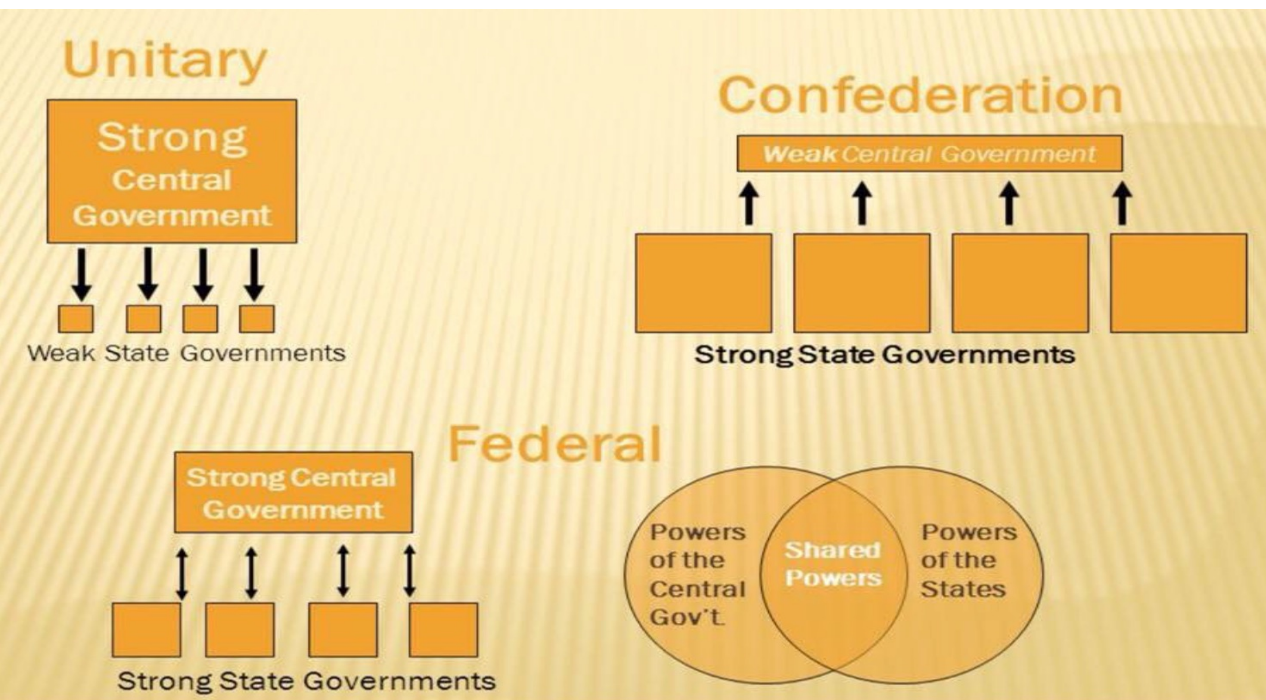
- **چنانچه از حدود ۲۵ کشور فدرالی در جهان، تنها یکسوم آن‌ها دموکراتیک و دوسوم آنها استبدادی اند (در حالیکه دهها کشور شاهی/جمهوری با «تفویض قدرت» دموکراتیک شده اند).**

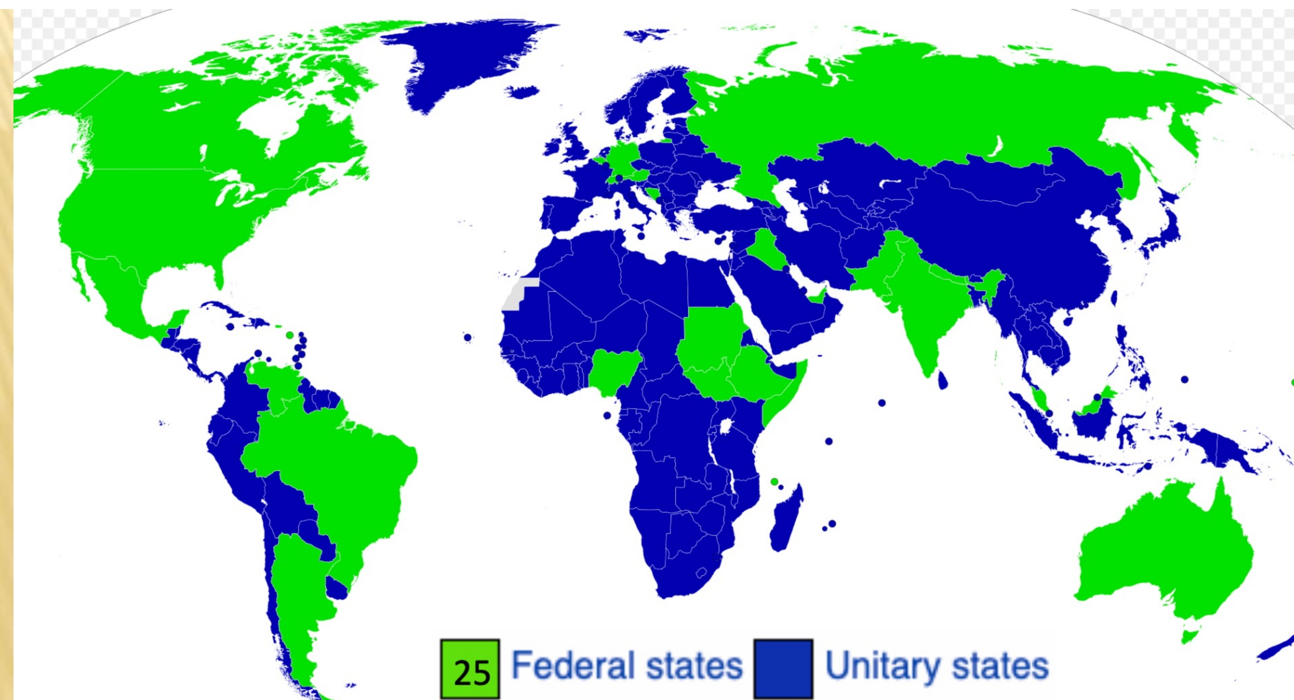
- **فدرالیزم در اروپا بر حول یک حکومت مرکزی ضعیف‌تر شکل گرفت (دموکراتیک اند)!**

🔴 پس آنچه مهم است، «ماهیت نظام»ها یا ارایه حکومتداری بهتر برای «مردم» است (در حالی که دهها «ایزم» ادعای «برتری» بر یکدیگر دارند: کمونیزم، لیبرالیزم، سکولریزم، فدرالیزم، پارلمانتاریزم و یا مخلوطی از آن‌ها: لیبرال‌دموکراسی، سوسیال‌دموکراسی، فدرال‌دموکراسی، بورژوادموکراسی و...)!

🔴 «ایزم»ها در دنیای امروزی/علمی، جای خود را به «ارزش»ها(ی آنها) داده اند!

در یک جامعه دموکراتیک، مهم نیست «کی» حکومت می کند، بلکه «چگونه» حکومت می کند!





فهرست کشورهای فدرالی (به ترتیب سال ایجاد آن‌ها)

امریکا – ۱۷۷۶	مکسیکو – ۱۸۲۱	سویس – ۱۸۴۸	ارجنتاین – ۱۸۵۳
ونزویلا – ۱۸۶۳	کانادا (شاهی) – ۱۸۶۷	برازیل – ۱۸۸۹	استرالیا (شاهی) – ۱۹۰۱
روسیه – ۱۹۱۸	استریا/اتریش – ۱۹۲۰	هند – ۱۹۴۷	پاکستان – ۱۹۴۷
جرمنی – ۱۹۴۹ (۱۸۷۱)	سودان – ۱۹۵۶	نایجیریا – ۱۹۶۰	مالیزیا (شاهی) – ۱۹۶۳
امارات (شاهی) – ۱۹۷۱	جزیره کوموروس – ۱۹۷۵	جزایر میکرونیزیا – ۱۹۷۹	جزایرسینت/کیتس (شاهی) – ۱۹۸۳
بلجیم (شاهی) – ۱۹۹۳	بوسنیاهرزگوینا – ۱۹۹۵	حبشه – ۱۹۹۵	عراق – ۲۰۰۵
سودان جنوبی – ۲۰۱۱	سومالی – ۲۰۱۲	نیپال – ۲۰۱۵	

کامرون، یوگوسلاویا، شوروی، چکوسلواکیا، پاکستان، تانزانیا، قبرس و... تجزیه شدند!

فدرالیزم از نگاه تاریخی، ذاتا «محتوای دموکراتیک» ندارد!
شاید به همین علت، پدرام از واژه «فدرالیزم دموکراتیک» استفاده می کند!

تاریخ نشان می‌دهد: «**پیشرفت**» کشورها تا اندازه زیادی تابع «**اراده حاکمان**» بوده است، نه «**نوع نظام‌ها**» (جدا از اینکه امپراتوری، شاهی، جمهوری، اسلامی، غیراسلامی، دموکراتیک یا غیردموکراتیک بوده اند: امریکا، روسیه، فرانسه، چین، برتانیه، جرمنی، جاپان و...)!

چرچیل: فقر و اقتصاد ضعیف دو دلیل دارد: یا حاکمان احمق اند یا احمق‌ها حاکم؛ جنگ و خشکسالی بهانه است!

نتیجه گیری

مشکل اساسی: هیچ نسخه واحدی برای درمان تمام دردها وجود ندارد!

راه حل: استفاده از دستاوردهای جهانی «دانش/تجربه» و روش «آزمون/خطا»!

گزینه اول – تسلیم (پذیرش حاکمیت طالبان)

- پذیرش حاکمیت قومی/دینی طالبان و همکاری با آن‌ها برای گرفتن چوکی و مقام (زیر نام حکومت فراگیر، همه‌شمول، مشارکتی و یا قطع جنگ، برقراری صلح، وحدت ملی وغیره).

- در بین همه اقوام و اقشار، همیشه شماری «مزدور/معامله‌گر» وجود دارد که در خدمت «اشغالگران/تجاوزگران» قرار می‌گیرند و هویت و شخصیت خود را (با بهانه‌های گوناگون) در بدل «قدرت/ثروت» می‌فروشند (نمونه های فراوانی از آن‌ها در درازنای تاریخ وجود دارد)!

گزینه دوم – حل مسالمت‌آمیز حاکمیت (مذاکره با طالبان / جامعه جهانی)

- ایجاد «دولت موقت یا حکومت انتقالی» (با توافق جانبین، ملل متحد و ابرقدرت‌ها)؛
- «غیرنظامی‌سازی» شهرها و جلوگیری از «مداخلات» همسایه‌ها (موجودیت نیروهای ملل متحد)؛
- تهیه و تصویب «قانون اساسی عادلانه» [توزیع افقی/عمودی قدرت، حاکمان انتخابی/پاسخگو و نبود امتیاز/تبعیض (قومی، زبانی و مذهبی)]؛
- فراهم سازی شرایط برای «برگزاری انتخابات» آزاد، شفاف و عادلانه (زیر سرپرستی ملل متحد)؛
- برگزاری انتخابات و ایجاد «دولت قانونی/مشروع» (ادامه پروسه دولت-ملت سازی دموکراتیک و مردمسالار)!

هدف اساسی: ایجاد یک حاکمیت/دولت مشروع و قانونی (عادلانه)

گزینه سوم – غیرمتمرکزسازی حاکمیت (دولت-ملت‌سازی عادلانه)

* **تبار/قوم - محور:** بر بنیاد یک قوم توسط «زور و غلبه» (برنامه «**سقاوی دوم**» یا تفکر «**حلیم تنویر**»)؛

* **ایدیولوژیک/آرمان - محور:** راست (اخوت/امارت اسلامی) و چپ (انترناسیونالیزم/دیکتاتوری پرولتری)؛

* **ارزش/شهروند - محور:** بر بنیاد «**شهروندان اگاه/فعال**»:

- **رهبران انتخابی و پاسخگو (تطبیق کننده قانون)؛**
- **قوانین عادلانه (حقوق شهروندی، لغو هرگونه تبعیض/امتیاز)؛**
- **ساختار غیرمتمرکز (توزیع افقی/عمودی قدرت، نهادهای مستقل/متوازن)؛**
- **حاکمیت قانون؛**

حاکمیت قانون

نهاد های مستقل/متوازن

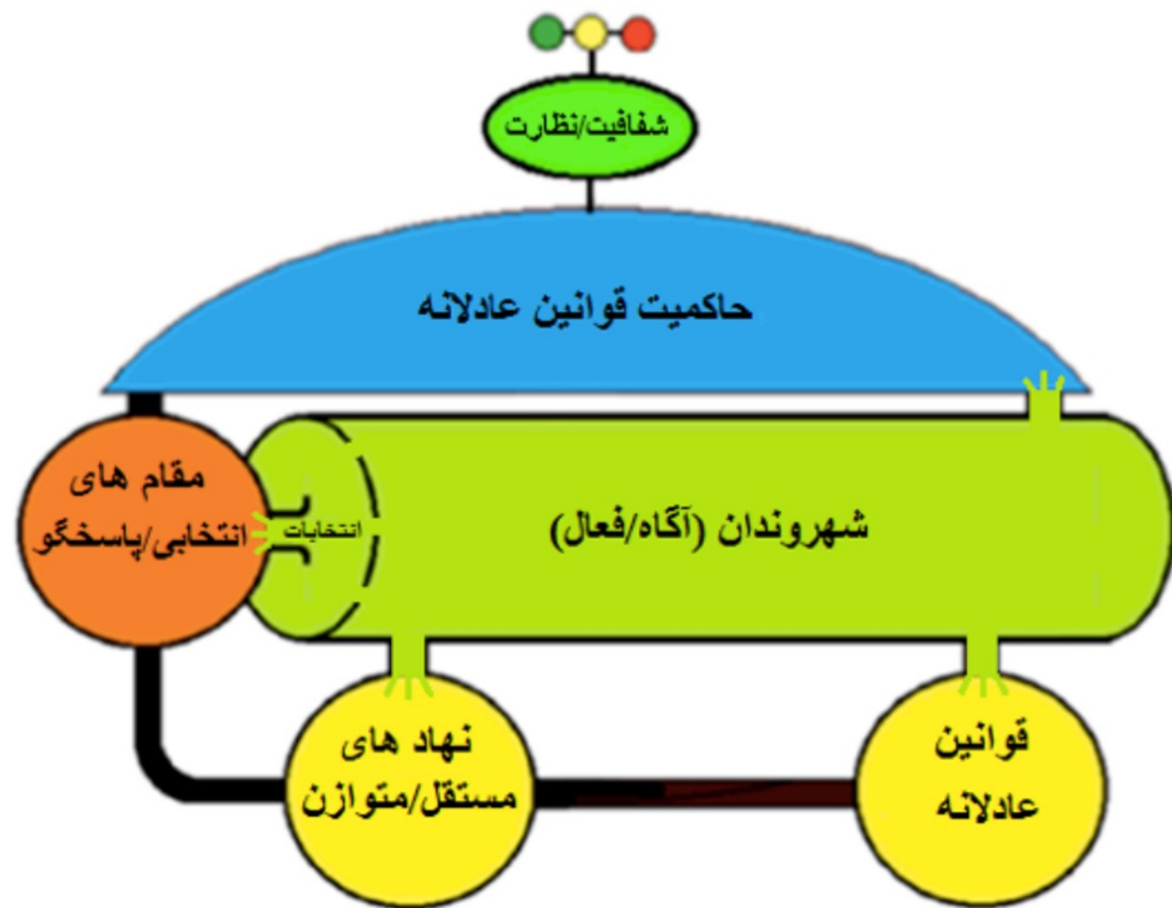
قوانین عادلانه

رهبران انتخابی/پاسخگو

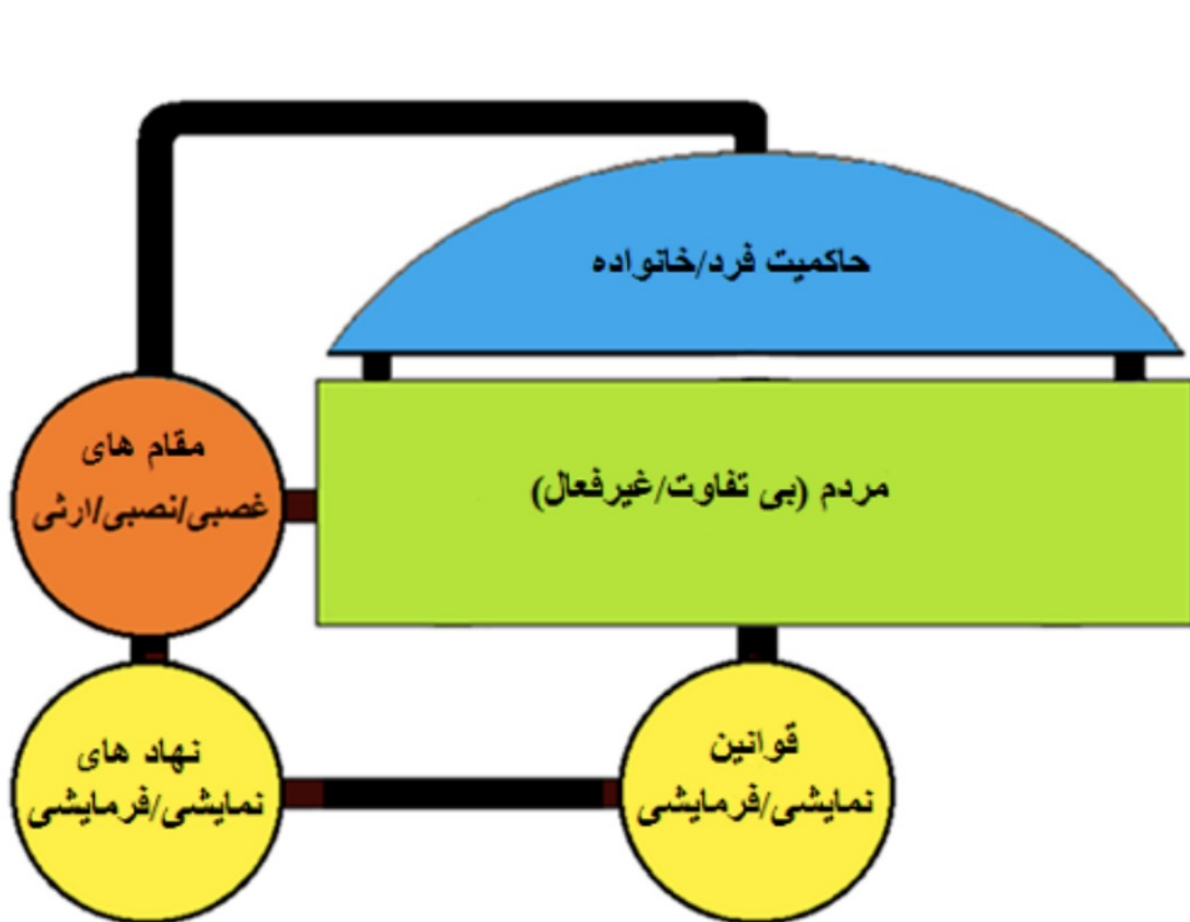
شهروندان آگاه/فعال

ماهیت نظام ها (حاکمیت قوانین عادلانه) = رهبران/مقام ها + قوانین/مناسبات + ساختار/نهاد ها

ساختار جوامع دموکراتیک (عادلانه) و غیردموکراتیک (استبدادی)



ساختار جوامع دموکراتیک (عادلانه)



ساختار جوامع غیردموکراتیک (استبدادی)

گزینه چهارم – فدرال‌سازی حاکمیت

🔴 مهم نیست که نام نظام را شاهی، جمهوری یا اسلامی بگذاریم! آنچه اهمیت دارد، چگونگی «دموکراتیزه‌سازی» شاخص‌های آن («حاکمان ... دستگاه قدرت (ساختار/قوانین) ... شهروندان») است.

🔴 درحالیکه فدرالیزم «محتوای دموکراتیک» ندارد، هر دو شرط آن (پیونددهنده و جداکننده) در کشور وجود ندارد و تضادهای قومی حاد است، شعار «فدرالیزم یگانه راه حل»، مفهوم «فدرالیزم قومی» پیدا کرده و منجر به «درگیری‌های قومی» در «تقسیم ولایات» براساس «قوم‌سازی» می‌شود (زیرا قوم را آنقدر سیاسی ساخته‌اند که همه چیز «قوم-محور» شده: پرچم قومی، ولایت قومی، امتیاز قومی و...)!

🔴 اما «غیرمتمرکزسازی»، نظام «عدالت/نهاد/مردم/شهروند – محور» را در چوکات ولایات موجود فراهم می‌کند (زیرا ما به یک دوره «اعتمادسازی» و «شهروندسازی» در بین اقوام نیاز داریم تا مشکلات آینده کشور را گام به گام و در فضای «تفاهم/توافق» حل کنند، نه از طریق «زور/تحمیل»)!

زیرا در دنیای واقعی، «نظام کامل و بی نقص» وجود ندارد!

در یک جامعه دموکراتیک، مهم نیست «کی» حکومت می کند، بلکه «چگونه» حکومت می کند!



گزینه پنجم – آیا امکان تجزیه/جدایی دوستانه وجود دارد؟



اگر نمی توان «هموطن خوب» بود، آیا می توان «همسایه خوب» بود؟

کسانی که سلاح بر دوش می گیرند و جان های خود را در راه «میهن» فدا می کنند، برای «آزادی/حاکمیت» آن می جنگند (نه برای «تجزیه/تقسیم» آن)!

در این صورت باید «حاکمیت» خانه و کاشانه خود را به دست آورد، پرچم صلح، آزادی و عدالت اجتماعی را برافراشت، «اشغالگران و تجاوزگران» را به سرزمین های آبایی و اجدادی شان فرستاد و روابط نیک و دوستانه با همسایگان برقرار ساخت!

در تاریخ کشور و حالاتی که شرایط تجزیه عملا وجود داشت، رهبران و بزرگان ما شعار تجزیه ندادند و طرفدار تجزیه نبودند (مانند بدخشی، مسعود و... با آنکه «ستمی»، «تجزیه‌طلب» و... نامیده شدند)!

افغانستان نمی تواند تجزیه شود، اما می تواند فرو بپاشد!

لذا، رسالت فرزندان اصیل و راستین آن است که درفش آزادی، استقلال، دانش، فرهنگ و تمدن را که روزی بر تارک نگین «خراسان» و «خراسانیان» در شرق می درخشید، بار دیگر بر فراز کوهپایه های هندوکش برافرازند و روح نیاکان خود را شاد سازند!

آفتابا بار دیگر خانه را پر نور کن
دوستان را شاد گردان، دشمنان را کور کن

از پس کوهی برآ و سنگ ها را لعل ساز
بار دیگر غوره ها را پخته و انگور کن

آفتابا بار دیگر باغ را سرسبز کن
دشت را و کشت را پر حله و پر جور کن

(مولوی)

سرچشمه ها

(تمام لینک‌های داده شده فعال اند)

لعل زاد. راه حل مشکلات قومی در افغانستان (ترجمه). اگست ۲۰۱۱
http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=771

لعل زاد. غیرمتمرکزسازی قدرت در افغانستان (ترجمه). اکتوبر ۲۰۱۱
http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=848

لعل زاد. نظام غیرمتمرکز. اکتوبر ۲۰۱۲
http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzad09.pdf

لعل زاد. نامه رورابکر به خلیل زاد (ترجمه). جنوری ۲۰۱۳
http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=1577

لعل زاد. خودگردانی اداری (ترجمه). اگست ۲۰۱۳
http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=1978

لعل زاد. نظام غیرمتمرکز (کنفرانس مونیخ). اگست ۲۰۱۳
http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzad10.pdf

لعل زاد. اسلام و دولت در افغانستان (ترجمه). اکتوبر ۲۰۱۳
http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=2066

لعل زاد. گزینه های صلح و حکومتداری (ترجمه). دسمبر ۲۰۱۳
http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=2220

لعل زاد. گزینه های صلح و حکومتداری (ترجمه). دسمبر ۲۰۱۳
http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=2220

لعل زاد. مناسبات مرکز و اطراف (ترجمه). جنوری ۲۰۱۴
http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=2253

لعل زاد. راه حل بحران کشور (کنفرانس لندن). فبروری ۲۰۱۴
http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzad12.pdf
http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=2376

لعل زاد. ساختار نظام سیاسی. مارچ ۲۰۱۴
http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=2434

لعل زاد. معیارهای دموکراتیک بودن نظام ها. سپتمبر ۲۰۱۶
http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzad21.pdf

لعل زاد. وضع موجود در کشور و راههای حل آن (کنفرانس لندن). جولای ۲۰۱۷
http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzad31.pdf

لعل زاد. مشکلات دولت/ملت سازی در کشور و راههای حل آن (کنفرانس هالند). دسمبر ۲۰۱۹
http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzad44.pdf

صباغیان، علی. ریشه ها، ساختار و تحول فدرالیسم در جمهوری فدرال آلمان. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۱، شماره ۴ زمستان ۱۴۰۰
http://ensani.ir/file/download/article/1638786538-10163-1400-4-7.pdf

افراسیابی، اسماعیل. سیستم فدرالیسم در ایالات متحده امریکا. مجله کانون وکلا. شماره ۲۰۰ و ۲۰۱، ۱۳۸۷
http://ensani.ir/file/download/article/20110208101802-(2416).pdf

تاج، احمدسروش. تمرکززدایی، چرا فدرالیسم. ۲۷ جدی ۱۳۹۷
https://8am.af/decentralization-why-federalism/

طلعتی، مهدی. فدرالیسم: (پاسخی به یک پرسش). ۲۴ اسفند ۱۳۹۵
https://www.bbc.com/persian/39270205

خوبروی پاک، محمد رضا. ناکارآیی فدرالیسم: پندهای از کشورهای فدرال (پاکستان، کومور، مالیزی و هند)...
https://farda.us/library/federalism.pd

فدرالیسم. ویکیپیدیا
https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%81%D8%AF%D8%B1%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%B3%D9%85
https://en.wikipedia.org/wiki/Federation

مارتین لوترکینگ کی بود و چرا تا هنوز در زمانه ما مهم است؟
https://www.bbc.com/persian/world-60030790

OECD. Making Decentralisation Work. A Handbook for Policy Maker. 2019.
https://www.oecd.org/cfe/Policy%20highlights_decentralisation-Final.pdf

Yuliani, E. Linda. Decentralization, deconcentration and devolution. 2004.
https://www.cifor.org/publications/pdf_files/interlaken/Compilation.pdf

Johnson, Craig. Decentralisation in India. 2033.
https://assets.publishing.service.gov.uk/media/57a08cf240f0b6497400154e/wp199_print.pdf

Bokenforde, Markus. Decentralized Forms of Government. 2011.
https://www.corteidh.or.cr/tablas/28321.pdf

Prezeworski, Adam. Self-Government in Our Times. 2009.
https://www.annualreviews.org/doi/pdf/10.1146/annurev.polisci.062408.120543

Salter, W. Alexander. A Theory of Self-Governance. 2019.
https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3084099

Self-governance.
https://en.wikipedia.org/wiki/Self-governance